



بزرگترین عملیات سایبری علیه رژیم صهیونیستی، دسترسی به سایت‌های دولتی این رژیم را غیرممکن کرد

## تل آویو در تور هکرهای ناشناس

سایت‌های دولتی و وزارتخانه‌های صهیونیست‌ها در گسترده‌ترین حمله سایبری به این رژیم برای ساعاتی نه تنها در سطح بین‌المللی بلکه در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز از دسترس خارج شدند تا با فلج شدن نهادهای وابسته به دولت صهیونیستی، ...

تحلیلی بر بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری

## نقش نخبگان در ضعف و قدرت جامعه چیست؟

بیانات مقام معظم رهبری در روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه نکات مهمی را در برداشت که بازخوانی و تأمل در آنها ضمن آگاهی از مسیر پیموده شده از گذشته تاکنون می‌تواند درس‌هایی را برای راه آینده نیز داشته باشد. در یادداشت پیش‌رو به برخی از سرفصل‌های این سخنرانی پرداخته و نکاتی در ارتباط با آن توضیح داده خواهد شد.



امیر عبداللہیان و لاوروف تأکید کردند تهران و مسکو در حال تنظیم پیشنهادی پیرامون همکاری‌های گسترده بین‌المللی دوجانبه هستند

# توافق ایران و روسیه برای خنثی‌سازی تحریم

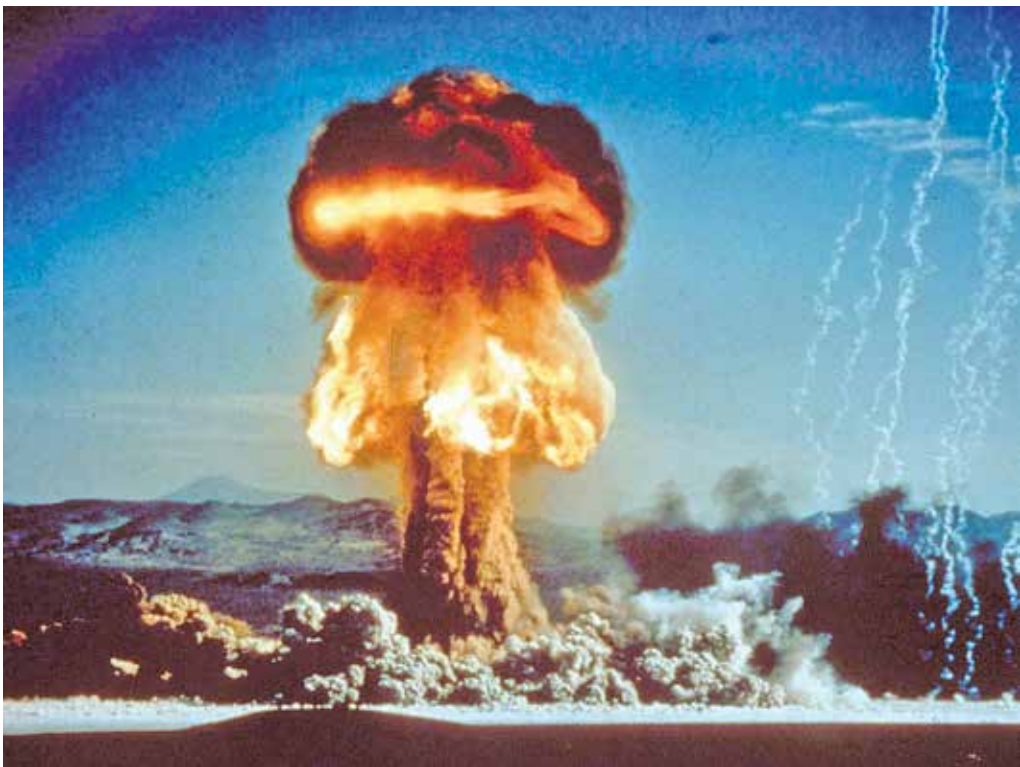
غربی و در رأس آنها آمریکا بکوشند از رهاورد آن، همه موضوعات اختلافی روی میز مذاکره را به درخواست روسیه تقلیل دهند و برانتزهای خالی باقی مانده برای تحقق شروط ایران را نادیده بگیرند. اما مقام‌های کشورمان در واکنش به این تحولات، با توصیه به واشنگتن برای تصمیم‌گیری هر چه سریع‌تر درباره خواسته‌های تهران، بررسی چرایی و چگونگی خواست اخیر روسیه مبنی بر تضمین کتبی آمریکا را به رایزنی‌های بیشتر مقام‌های ایرانی و روسی منوط کردند. چه آنکه قابل‌پیش‌بینی بود در پی اوج‌گیری تنش میان روسیه و آمریکا که در وقوع حمله نظامی به اوکراین به بالاترین سطح رسید، مذاکرات وین هم از پیامدهای این تنش در امان نماند. در پی این سخنان لاوروف بود که امیر عبداللہیان نیز با گفتن اینکه «روسیه هیچ مانعی برای رسیدن به توافق نخواهد بود، گفت: امیدواریم طرف آمریکایی دست از زیاده‌خواهی خود بردارد. در واقع نزدیک به توافق بردار»، به گمانه‌زنی‌ها در رابطه با مذاکرات وین پایان داد و تلویحاً یادآور شد که اینک توب برجام در زمین آمریکاست.

ضمانت کتبی واشنگتن به مسکو برای مصون ماندن رابطه تجاری ایران و روسیه از تحریم‌های آمریکایی خبر مهمی بود که سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه روز گذشته در نشست خبری مشترک خود با وزیر خارجه ایران اعلام کرد. به گفته لاوروف، روسیه تضمینی کتبی دریافت کرده که شامل متن توافق و احیای برجام می‌شود و این متون از تمامی پروژه‌ها و فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برجام از جمله مشارکت مستقیم شرکت‌ها و متخصصین و همکاری در پروژه‌هایی چون نیروگاه بوشهر به‌طور معتبری حفاظت می‌کند. بی‌تردید مهم‌ترین موضوع سفر روز گذشته حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه به مسکو، به رایزنی پیرامون مذاکرات وین و همفکری درباره موضع اخیر روسیه مبنی بر درخواست تضمین از آمریکا اختصاص داشت. در گرماگرم مذاکرات وین که دستیابی طرف‌ها به توافق بیش از هر وقت دیگری قوت گرفته بود، لاوروف با طرح این موضوع که روسیه از آمریکا بابت مصون ماندن روابط تجاری تهران و مسکو از تحریم‌های یکجانبه واشنگتن تضمین کتبی می‌خواهد، توجه اذهان را متوجه خود کرد. تحولی که سبب شد کشورهای

است و همه آنها را حداقل در عرصه رسانه، به نسبتی با یکدیگر درگیر کرده است. **کدام جنگ؟ کدام جهان؟** درباره جنگ جهانی سوم سناریوهای متفاوتی پیش‌بینی شده است؛ نکته جالبی که درباره انگاره وقوع جنگ جهانی سوم و سناریوهای مرتبط با آن وجود دارد، این است که در این سناریوها برخی کشورها بیشتر برجسته شده‌اند؛ در مجموع از کنارهم قرار دادن این سناریوها می‌توان دریافت که انگاره‌سازی و انگاره‌پردازی در رسانه‌های غربی و طراحی شده به پیش می‌رود. این موضوع سبب می‌شود تا بیشتر به چرایی این مسأله فکر کنیم و نسبت به انگاره رسانه‌های جنگ جهانی سوم تردید داشته باشیم. ایران و عربستان سعودی، ایران و اسرائیل، هند و پاکستان، روسیه و اوکراین، کره شمالی و کره جنوبی و ایالات متحده، چین و هند و چین و تایوان مهم‌ترین کشورهایی هستند که در سناریوهای ارائه شده از جنگ موسوم به جنگ جهانی جدید، آغازگر واقعه قلمداد می‌شوند. نکته قابل‌تأملی که دیگر در ارتباط با انگاره‌سازی از عبارت جنگ جهانی، استفاده از کلمه «جهان» است؛ بعد از گذشت چند دهه آیا جای بازاندیشی در این موضوع وجود ندارد که چرا جنگ چند کشور باید جنگ تمام جهان قلمداد شود؟ مگر در جنگ‌های اول و دوم تمام کشورهای روی زمین درگیر بوده‌اند که باید از این رویدادها به عنوان رویدادی جهانی یاد کرد؟ به چه دلایلی و با کدام منطق باید چند کشور استعمارگر خود را نماینده جهان بدانند و تمام جهان را به نام خود برزنند و به گونه‌ای رفتار کنند که گویی جز آنها کشوری دیگری وجود ندارد؟ آیا اکثر کشورهای آمریکای جنوبی، آفریقایی و اقیانوسیه و شمار زیادی از

ادراک سازی رسانه ای غرب از انگاره وقوع جنگ جهانی سوم

## غرب چگونه حافظه جمعی جهان را در راستای منافع خود تحریک می‌کند؟



اوکراین نیز ایفای نقش چنین ذهنیتی پررنگ بود، به طوری که در برخی جوامع و در بخش‌هایی از جامعه ایرانی نیز انگاره احتمال وقوع جنگ جهانی پررنگ شد و برخی درباره آن تحلیل نوشتند و برخی بسیاری از شهروندان در کشورهای مختلف باور کرده بودند که این حمله می‌تواند آغازگر جنگ جهانی سوم باشد؛ اینکه چنین اتفاقی آغازگر جنگی فراگیر خواهد بود یا خیر، محل بحث یادداشت حاضر نیست و طبیعتاً در سیاست نمی‌تواند به طور مطلق درباره رویدادهای آینده اظهار نظر کرد؛ اما در شرایط کنونی که بر اساس قرائن و تحلیل‌ها، وقوع جنگ سخت فراگیر بسیار بعید است، این شیوه واکنش نشان دادن جمعی می‌تواند قابل رویدادهای مرتبط با آن و دیداندن و برای همین آنها حساس شوند. در مسأله روسیه و

طور ناخودآگاه نوعی باورپذیری دارند. بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم حافظه جامعه جهانی از این رویدادها بتدریج جاملر گرفت که البته سلطه رسانه‌های غرب در عرصه‌های مختلف اعم از ورزش، سینما، ادبیات و شاخه‌های دیگر هنر نیز بر محتوای این حافظه جمعی مؤثر بود. آثار بی‌شماری در ارتباط با جنگ‌های اول و دوم تولید شد و جوامع مختلف با این آثار توانستند ارتباط برقرار کنند و در بلندمدت بتدریج انگاره‌هایی از جنگ‌های موسوم به جنگ جهانی در ذهن جهانیان ساخته شد. اینکه کدام انگاره‌ها درست هستند و کدام نادرست، محل بحث یادداشت حاضر نیست، اما در مجموع چنین روندهایی سبب شد تا ذهن جامعه جهانی نسبت به انگاره وقوع جنگ حساس شود و نسبت به زیاد خوانده‌اند و دیده‌اند و برای همین وقتی دوباره با آنها مواجه می‌شوند، به

کشورهای آسیایی که با یکدیگر نمی‌جنگند جزو جهان محسوب نمی‌شوند؟ اگر در گذشته این دست کشورها به واسطه نفوذ استعماری خود در سایر کشورها جهان را از آن خود می‌دانستند، امروزه که دیگر آرایش استعماری گذشته از بین رفته و استقلال حاکمیت‌های ملی موضوعیت پیدا کرده است، چه دلیلی برای استفاده از عبارت صفت جهانی برای جنگ میان چند کشور وجود دارد؟ **حافظه جامعه جهانی از جنگ** یکی از علل باورپذیری یا محتمل دانستن وقوع جنگ از سوی برخی شهروندان در جوامع مختلف، انباشت تولید محتوا درباره جنگ است که سبب شده تا ذهن افراد شرطی شود؛ به این معنا که جوامع با این انگاره‌ها ناآشنا نیستند، درباره آنها زیاد خوانده‌اند و دیده‌اند و برای همین وقتی دوباره با آنها مواجه می‌شوند، به

استفاده می‌کنند و سعی دارند اینگونه القا کنند که جهان هراسان از وقوع جنگی دیگر است. صحبت از وقوع جنگ جهانی از سوی هرکسی که باشد، در وهله اول برای تحریک افکار عمومی جهان علیه رقبای سیاسی است. در حقیقت استفاده از ادبیات وقوع جنگ به مثابه نوعی نقطه تحریک‌کننده اذهان است که از سوی جریان‌های رسانه‌ای غرب علیه رقبایشان صورت می‌گیرد تا بتوانند با مشروع و نامشروع جلوه دادن موضوعات مورد نظر خود، اولاً خود را از انفعال بین‌المللی بیرون کشانند و ثانیاً بر ضعف خود و متحدان شان در افکار عمومی سربوش بگذارند. اگرچه دلایل انگاره‌سازی رسانه‌ای از «وقوع جنگ جهانی سوم» و «جنگ سرد جدید» مشابه یکدیگر است، اما پرداختن به این انگاره‌سازی در زمان‌های متفاوت یکسان نبوده است. به این علت که غرب بر ساخت رسانه‌های از هژمونی خود را همواره در خطر دیده، سعی در انگاره‌سازی از کشورهای نموده که برای خود تهدید به حساب می‌آورد. در زمانی که رویارویی‌های نظامی و سخت وجود نداشته یا چندان توجه جهان را به خود جلب نکرده، انگاره رسانه‌ای «جنگ سرد جدید» بیشتر مورد توجه بوده است. در عین حال انگاره «وقوع جنگ جهانی سوم» به عنوان روندی مستمر همواره پس از جنگ جهانی دوم به این سو در رسانه‌ها دنبال شده است. به نظر می‌رسد تا پیش از وقوع مسأله روسیه و اوکراین به عنوان یک رویارویی سخت، انگاره جنگ سرد جدید بیشتر مورد توجه بوده و در تحلیل‌های مرتبط با آن نیز نقش چین پررنگ‌تر بوده است. اما با وقوع این رویارویی و پررنگ شدن وجه نظامی آن، مجدداً رسانه‌های غربی احتمال وقوع جنگ جهانی دیگری را در تحلیل‌های خود مورد توجه قرار داده‌اند. زیرا نداعی‌کننده رویارویی کشورهای مختلف جهان بوده

یادداشت تکرار نمی‌شوند. یادداشت حاضر سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که چرا انگاره «وقوع جنگ جهانی سوم» گاه به عنوان زمینه‌ای برای تحلیل مسائل سیاسی بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد و چرا چنین انگاره‌ای برای برخی جوامع باورپذیر، محتمل و حتی قریب الوقوع به نظر می‌رسد. **متراکب جنگ در خرمن سیاست** اخیراً جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفته بود که جایگزین برای اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه در ارتباط با حوادث اوکراین، آغاز «جنگ جهانی سوم» است. وی ضمن این گفته تأکید کرده بود که حوادث اوکراین نه تنها در آینده نزدیک بلکه در آینده دور نیز پیامدهایی برای روسیه خواهد داشت. نخست‌وزیر پیشین اوکراین نیز بتازگی گفته که پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در پی آن است تا با به کارگیری سلاح هسته‌ای، جنگ جهانی سوم را علیه روسیه به راه بیندازد. اما چرا رئیس‌جمهور ایالات متحده باید از چنین عبارتی در ادبیات خود استفاده کند و چرا چنین ادبیاتی در عرصه سیاسی پررنگ است؟ پاسخ روشن است؛ جنگ‌های جهانی اول و دوم خاطرات خوشی را برای جهان بویژه غرب بر جای گذاشته است و این دو جنگ به مثابه لکه‌های ننگی در تاریخ این اقلیم به شمار می‌روند. دستاویز قرار دادن عبارت «جنگ جهانی» آن هم در زمانی که ناتو در اوج انفعال است و اتحادیه اروپا در آستانه از هم فروپاشی، جز نشانه استیصال و تلاش برای نگهداشتن بر ساخت رسانه‌ای از هژمونی غرب و ایالات متحده، به حساب نمی‌آید. پیوسته‌های رسانه‌ای دو جنگ موسوم به جهانی، سبب شده تا جوامع کشورهای مختلف جهان از وقوع جنگ جهانی دیگری وحشت کنند و رسانه‌ها نیز از همین موضوع، به عنوان اهرمی برای جریان‌سازی

یادداشت تکرار نمی‌شوند. یادداشت حاضر سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که چرا انگاره «وقوع جنگ جهانی سوم» گاه به عنوان زمینه‌ای برای تحلیل مسائل سیاسی بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد و چرا چنین انگاره‌ای برای برخی جوامع باورپذیر، محتمل و حتی قریب الوقوع به نظر می‌رسد. **متراکب جنگ در خرمن سیاست** اخیراً جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفته بود که جایگزین برای اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه در ارتباط با حوادث اوکراین، آغاز «جنگ جهانی سوم» است. وی ضمن این گفته تأکید کرده بود که حوادث اوکراین نه تنها در آینده نزدیک بلکه در آینده دور نیز پیامدهایی برای روسیه خواهد داشت. نخست‌وزیر پیشین اوکراین نیز بتازگی گفته که پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در پی آن است تا با به کارگیری سلاح هسته‌ای، جنگ جهانی سوم را علیه روسیه به راه بیندازد. اما چرا رئیس‌جمهور ایالات متحده باید از چنین عبارتی در ادبیات خود استفاده کند و چرا چنین ادبیاتی در عرصه سیاسی پررنگ است؟ پاسخ روشن است؛ جنگ‌های جهانی اول و دوم خاطرات خوشی را برای جهان بویژه غرب بر جای گذاشته است و این دو جنگ به مثابه لکه‌های ننگی در تاریخ این اقلیم به شمار می‌روند. دستاویز قرار دادن عبارت «جنگ جهانی» آن هم در زمانی که ناتو در اوج انفعال است و اتحادیه اروپا در آستانه از هم فروپاشی، جز نشانه استیصال و تلاش برای نگهداشتن بر ساخت رسانه‌ای از هژمونی غرب و ایالات متحده، به حساب نمی‌آید. پیوسته‌های رسانه‌ای دو جنگ موسوم به جهانی، سبب شده تا جوامع کشورهای مختلف جهان از وقوع جنگ جهانی دیگری وحشت کنند و رسانه‌ها نیز از همین موضوع، به عنوان اهرمی برای جریان‌سازی

یکی از انگاره‌های رسانه‌ای در عرصه سیاست بین‌الملل که از گذشته تاکنون در تحلیل‌ها و اخبار سیاسی دیده می‌شود، انگاره «وقوع جنگ جهانی سوم» است. بر اساس این انگاره که بیشتر از سوی رسانه‌های غربی و در فضای گفتمانی آنها تعریف شده، پس از دو جنگ جهانی اول و دوم، جهان در انتظار وقوع جنگ جهانی سوم است و جنگ سوم به مراتب می‌تواند از دو جنگ قبلی فاجعه‌برانگیزتر باشد؛ زیرا جهان کنونی از نظر زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی نسبت به جهان مصادف با دو جنگ پیشین بسیار آسیب‌پذیرتر شده است. در حالی که از وقوع درگیری میان روسیه و اوکراین بیش از چند روز نگذشته و در همان روزهای آغازین دولت‌های غربی با بیانه‌هایی تأیید کردند که قصد اعزام نیرو به اوکراین و درگیری نظامی با روسیه را ندارند، همچنان در سرخط رسانه‌ها عبارت «جنگ جهانی سوم» پررنگ شده است و تحلیلگران نیز مطالب خود را با نیم‌نگاهی به این موضوع می‌نویسند. در یادداشت قبلی با عنوان «چرا انگاره رسانه‌ای جنگ سرد جدید اعتبار ندارد؟» که در روز ۱۴ اسفندماه از همین نگارنده در همین صفحه به چاپ رسیده، توضیح داده شد که چرا تلاش رسانه‌های غربی برای انگاره‌سازی رسانه‌ای از عبارت «جنگ سرد جدید» چندان راه به جایی نمی‌برد و دلایلی برای غیرمعتبر بودن این انگاره توضیح داده شد. انگاره جنگ جهانی سوم را نیز باید در راستای همان سیاست‌های رسانه‌ای غرب قلمداد کرد که برای انگاره جنگ سرد جدید اتخاذ کرده‌اند و دلایل ذکر شده برای غیرمعتبر بودن انگاره‌سازی رسانه‌ای از «وقوع جنگ جهانی سوم» نیز معتبر هستند و به همین خاطر در این

ایلیاد اودی

دکترای علوم سیاسی